



بررسی رابطه میان مهندسی فرهنگی و سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴

اعظم میرزمانی *

نسرین سادات ذوالفقاری **

معصومه کرامتی ***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۱۵

تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۱۱/۲۷

چکیده:

شکی نیست که هدف از مهندسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، اسلامی کردن فرهنگ و به عبارت دیگر، حاکم نمودن عقاید اسلامی بر تمام عرصه‌های جامعه و اسلامی کردن کل جامعه است. ابزار اسلامی نمودن جامعه و یا اسلام‌زدایی از آن؛ هویت است؛ زیرا هویتی که حول فرهنگ خاصی شکل گیرد به حفظ و بازتولید آن می‌پردازد؛ بنابراین ایجاد هویت اسلامی منجر به اسلامی شدن همه جامعه منجر خواهد شد.

دستیابی هویت اسلامی - انقلابی کلان‌ترین هدف فرهنگی مصرح در سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ است. در صورت تحقق چشم‌انداز، جامعه‌ای خواهیم داشت که از هویت اسلامی - انقلابی برخوردار است؛ به عبارت دیگر فرهنگ اسلامی بر همه شئون آن حاکم خواهد بود.

محققان این مقاله با استفاده از مطالعه مروری و کتابخانه‌ای، هدف کلان مهندسی فرهنگی را تبیین کرده و به این نتیجه رسیدند که اندیشمندان معاصر ایجاد هویت اسلامی را راه‌کار تحقق آن می‌دانند. بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران فرهنگی در مورد سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، مبین آن است که دستیابی به هویت اسلامی - انقلابی کلان‌ترین هدف کلان فرهنگی مطرح در آن است.

واژگان کلیدی: چشم‌انداز، چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، هویت، تجدد، هویت اسلامی، مهندسی فرهنگی.

* دانشجوی دکترای سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

*** دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

بر اساس نظام برنامه‌ریزی کشوری، تدوین هر نقشه، برنامه یا سیاستی باید با تعهد و پایبندی به سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ صورت پذیرد و با توجه به فرادستی بودن این سند، برنامه‌ریزی فرهنگی و تهیه نقشه مهندسی فرهنگی از این امر مستثنی نیست. چشم‌انداز ملی با به تصویر کشیدن موقعیت آینده، ویژگی‌های آرمانی و مطلوبی را ترسیم می‌کند که تحقق آنها مستلزم تبیین و اجرای راه‌کارهای مورد نیاز در قالب سیاست‌ها و برنامه‌های سایر ارکان نظام برنامه‌ریزی و اداره کشور است.

پایبندی به سند چشم‌انداز در تدوین نقشه مهندسی فرهنگی مستلزم تبیین و روشن کردن رابطه میان آنهاست؛ به عبارت دیگر، تبیین رابطه میان چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ مطرح در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و آرمان مهندسی فرهنگی پیش‌شرط برنامه‌ریزی برای مهندسی فرهنگی است. این مقاله درصدد بررسی میزان تشابه و تبیین اهداف فرهنگی مندرج در سند چشم‌انداز و آرمان مهندسی فرهنگی است.

بررسی سند چشم‌انداز حاکی از آن است که اصلی‌ترین هدف فرهنگی مصرح در این سند ایجاد جامعه‌ای برخوردار از هویت اسلامی - انقلابی است. هویت اسلامی ابزار حفظ و بازتولید فرهنگ اسلامی است. در صورت تحقق سند چشم‌انداز در سال ۱۴۰۴، ایران کشوری خواهد بود که فرهنگ اسلامی در آن حاکم است. حاکمیت فرهنگ اسلامی در جامعه، هدفی است که مهندسی فرهنگی در پی آن است.

هدف کلان مهندسی فرهنگی: حاکمیت اسلام بر کل جامعه

مفهوم «مهندسی فرهنگی» اولین بار به‌وسیله مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح و از آن زمان تاکنون در کانون توجه نهادهای فرهنگی کشور از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفته است:

«از مهم‌ترین تکالیف ما در درجه اول، مهندسی فرهنگ

کشور است...» (۱۳۸۱/۹/۲۶).

در ادبیات جهانی تعاریف بسیاری برای فرهنگ وجود دارد. از جمله اینکه فرهنگ مجموعه‌ای از اعتقادات، نهادها، زبان

و نحوه زندگی، گفتار و تفکر است. فرهنگ نوعی خودآگاهی فردی و جهانی است. فرهنگ شیوه زندگی معنوی و مادی بشر و مجموعه‌ای از منش‌های زندگی است که به اساسی‌ترین نیازهای یک اجتماع پاسخ می‌گوید. فرهنگ یک ملت عبارت از: نحوه زندگی آن ملت است. فرهنگ شامل ویژگی‌های انحصاری است که در تفاوت‌ها و تمایزات، در روش‌های زندگی و در خلاقیت‌های ویژه تجسم می‌یابند که هر یک بار معنایی خاصی برای سیاست‌گذاری فرهنگی (ر. ک اشتریان، ۱۳۸۹: ۱۰-۲۰) و از جمله مهندسی فرهنگی - که نوعی سیاست‌گذاری کلان فرهنگی است- دارند. بنابراین به نظر می‌رسد فهم فرهنگ و گستره عرصه فرهنگی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی کلید فهم مفهوم مهندسی فرهنگی است.

مقام معظم رهبری فرهنگ را شامل ادبیات، هنر، علم، عادات، اخلاق و سنن موجود در جامعه و خصلت‌های ملی دانسته و تصریح می‌نمایند که منظورشان از فرهنگ، ذهنیت‌های حاکم بر وجود انسان است که رفتارهای او را هدایت می‌کند:

- «ببینید، ما فرهنگ که می‌گوییم، مورد نظرمان به همان معنای عام فرهنگ است... فرهنگ شامل ادبیات، هنر، علم، عادات و اخلاق جامعه و سنن موجود جامعه و شامل خصلت‌های ملی است...» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۵/۹/۲۰).

- «... من این جور احساس می‌کنم که همه رفتارهای فردی و جمعی ما... تحت تأثیر دو مجموعه عوامل است: یک مجموعه، آن استعدادها و امکانات و اینهاست - هوش، توانایی‌ها و استعدادهای مردم - ... بخش دوم، آن عامل مؤثر و جهت‌دهنده ذهنیت است... مراد ما از فرهنگ، همان ذهنیت‌هاست. هر جا که من تعبیر فرهنگ را به کار می‌برم، مرادم آن معنای عام فرهنگ است؛ یعنی آن ذهنیت‌های حاکم بر وجود انسان که رفتارهای او را به سمتی هدایت می‌کند - تسریع، یا کند می‌کند...» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۸ / ۰۹ / ۲۳).

- «به نظر ما این‌گونه است که بخش عمده فرهنگ، همان عقاید و اخلاقیات یک فرد یا یک جامعه است. رفتارهای جامعه هم که جزو فرهنگ عمومی و فرهنگ یک ملت است، برخاسته

از همان عقاید است. ... لیکن اساس و ریشه فرهنگ عبارت است از: عقیده و برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلیات فردی و خلیات اجتماعی و ملی». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۹/۰۹/۱۹).
معظم‌له معتقدند عرصه فرهنگ به عرصه‌های متعارف فرهنگی یعنی علم و هنر منحصر نمی‌شود؛ بلکه تمام عرصه جامعه را در بر می‌گیرد. به‌زعم ایشان عرصه علم، تصمیمات کلان کشوری، اخلاق و فرهنگ عمومی عرصه‌های فرهنگی محسوب می‌شوند:
«من فرهنگ کشور را در سه عرصه ... مشاهده می‌کنم ... اول، در عرصه تصمیم‌های کلان کشور است؛ یعنی فرهنگ به‌عنوان جهت‌دهنده به تصمیمات کلان کشور - حتی تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و یا در تولید - نقش دارد... دوم، فرهنگ به‌عنوان شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است... وقتی مردم در خانواده و ازدواج و کسب و لباس پوشیدن و حرف زدن و تعامل اجتماعی‌شان در واقع دارند با یک فرهنگ حرکت می‌کنند... در داخل کشور، چیزهایی که در فرهنگ عمومی ما ضعیف است... یکی از آنها انضباط است... مورد بعدی، قانون‌پذیری است... عرصه سوم، فرهنگ به‌عنوان سیاست‌های کلان آموزشی و علمی دستگاه‌های موظف دولت است؛ یعنی آموزش و پرورش و آموزش عالی و بهداشت و درمان... این سه مقوله، مقولاتی است که هم‌ه‌اش فرهنگی محض است...» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۸۱/۰۹/۲۶، ۸۲/۱۰/۲۲، ۸۳/۱۰/۸، ۱۳/۱۰/۸۴).

به‌این ترتیب مشخص می‌شود منظور رهبر معظم انقلاب اسلامی از فرهنگ، ذهنیات و عقاید حاکم بر رفتارهای فردی و جمعی در عرصه‌های علمی (تولید معنا و تفکر)، تصمیمات کلان اقتصادی (عرصه سیاست و اقتصاد) و فرهنگ عمومی (عرصه اجتماع) است. به عبارت دیگر به نظر معظم‌له انتظار می‌رود تمام نظام‌ها و خرده نظام‌های جامعه الگوهای رفتاری و هنجاری خویش را از نظام فرهنگی اخذ کنند؛ انتظاری که مورد تأیید بسیاری از جامعه‌شناسان و اندیشمندان برجسته جهان از جمله «ماکس وبر» و «تالکوت پارسونز» است. به نظر «وبر»

بی‌شک ذهنیات و عقاید مورد نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، ذهنیات و عقاید اسلامی است. بنابراین به نظر می‌رسد از دیدگاه معظم‌له کانون و محور اصلی فرهنگ، دین به‌طور عام و اسلام به‌طور خاص است. صاحب‌نظران فرهنگ در مورد عنصر کانونی فرهنگ با یکدیگر اتفاق نظر ندارند.
عده‌ای صرفاً به شمارش عناصر فرهنگ با نگاه توصیفی پرداخته و اولویت‌بندی خاصی برای این عناصر قائل نیستند. در مقابل عده‌ای اصرار دارند تا کانون مشخصی برای فرهنگ معین کنند. مدعیان وجود کانون مشخص برای فرهنگ متأثر از نظام فلسفی خاصی بوده، برخی از آنها دین، برخی زبان و ... را عنصر کانونی فرهنگ می‌دانند. در نگاه «وبر»، «الیوت» و «هانتینگتون» مذهب عنصر کانونی فرهنگ و تمدن است.^۲ «الیوت» در بحث رابطه بین مذهب و فرهنگ می‌نویسد:

1. Significance

۲. عده‌ای چون الیوت معتقدند که مذهب و فرهنگ نه دو چیز مجزا هستند و نه بر یکدیگر منطبق هستند (آزاد ارملی، ۱۳۸۷: ۶۶-۷۷ به نقل از: الیوت، ۱۳۶۹: ۳۵). در مقابل عده‌ای معتقدند که فرهنگ تابعی از مذهب است و عده‌ای دیگر مذهب را تابعی از فرهنگ می‌دانند (آزاد ارملی، ۱۳۸۷: ۶۶-۷۷).

بحران هویت، هویت بیگانه و ... عجین شده است. این آمیختگی چنان است که می‌توان همه فرایندهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی اعم از مدرنیزاسیون، توسعه، مشروطه‌خواهی، قیام‌های اجتماعی، انقلاب اسلامی و غیره را حول محور هویت (پرسش هویت) صورت‌بندی کرد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۶۵-۳۵).

مسئله اسلامی کردن کل جامعه یا اسلام‌زدایی از آن، مسئله‌ای بود که در اثر مواجهه جامعه ایران با غرب و تجدد^۱ به وجود آمد. جامعه ایران تا پیش از حکومت قاجار و مواجهه با غرب، جامعه‌ای اسلامی بوده، از هویت اسلامی برخوردار بود؛ به عبارت دیگر پاسخ تمام مسائل فردی و اجتماعی خود را در اسلام و قوانین اجتماعی جستجو می‌کرد؛ مشکلات فردی، اجتماعی، شکست‌ها و عدم موفقیت‌های خود را به قصور، تقصیر و انحراف از دین اسلام نسبت می‌داد. پس از اینکه جامعه ایران با جامعه غرب مواجه شد و چندین بار از آن شکست خورد، متفکران و روشنفکران جامعه با این سؤال مواجه شدند که چرا جامعه غربی، آباد، پیشرفته و قدرتمند و جامعه ایران ویران، عقب‌مانده و ضعیف است؟ و مهم‌تر اینکه چطور می‌توان جامعه ایران را به جامعه‌ای پیشرفته، قدرتمند و آباد تبدیل کرد (ر. ک. کچوییان، ۱۳۸۵). تلاش برای پاسخ به این سؤالات منجر به شکل‌گیری پیوستاری از راه‌حل‌ها و به تبع آن جریان‌های فکری - فرهنگی - سیاسی در طی تاریخ معاصر ایران گردید. پیوستاری که در یک سر آن جریان‌هایی قرار دارند که رمز پیشرفت و آبادانی غرب را، غیردینی بودن جامعه غربی دانسته، نتیجه می‌گیرند اسلامی بودن جامعه و هویت اسلامی علت‌العلل همه مشکلات و عقب‌ماندگی‌های جامعه است. درنگاه آنان نه تنها نباید چاره مشکلات و مسائل فردی و اجتماعی را در اسلام جستجو کرد؛ بلکه اساساً اسلام علت و علل مشکلات است و باید با حذف هویت اسلامی، از جامعه ایران اسلام‌زدایی کرد. در سر دیگر جریان‌هایی قرار گرفته‌اند که مشکلات و مسائل جامعه را به عدم تقید تام و تمام به اسلام ناب در تمام عرصه‌های جامعه نسبت می‌دهند و اسلامی کردن تمام عرصه‌های جامعه و ایجاد هویت ناب اسلامی را چاره همه مشکلات و عقب‌ماندگی‌ها می‌دانند. حال این سؤال مطرح می‌شود که هویت چیست؛ چه کاردهایی

«همه ملل مذهبی‌اند و اینکه ما ملتی مذهبی هستیم و ملت‌های دیگر بدون مذهب هستند نظری مردود است»؛ «... هیچ فرهنگی نمی‌تواند جز در رابطه با مذهب پدیدار شود یا گسترش یابد»؛ «گرچه معتقدیم که یک مذهب می‌تواند فرهنگ‌های مختلفی را شکل دهد، همچنان این سؤال هم می‌تواند برای ما مطرح شود که آیا هیچ فرهنگی امکان دارد بدون یک زیربنای مذهبی به وجود آید، یا خود را ابقاء کند. می‌توان از این هم فراتر رفت و پرسید آنچه را که ما فرهنگ و آنچه را که مذهب یک ملت می‌نامیم آیا جنبه‌های مختلف یک چیز واحد نیستند: آیا فرهنگ، در اصل، تجسد (اگر بشود گفت تجسد) مذهب یک ملت نیست» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۶۶-۷۷ به نقل از: الیوت، ۱۳۶۹: ۲۸).

از نظر «هانتیگتون» نیز اصلی‌ترین عنصر تمدن، دین است: «دین ویژگی عمده هر تمدنی است و به قول کریستوفر داون «ادیان بزرگ شالوده‌هایی است که تمدن‌های بزرگ بر آن بنا شده‌اند». از پنج «دین جهانی» که وبر برشمرده است، چهار دین مسیحیت، اسلام، هندوئیسم و آیین کنفوسیوس - تداعی‌کننده تمدن‌های بزرگ هستند؛ اما دین پنجم یعنی بودیسم چنین نیست...» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۶۶-۷۷ به نقل از: همان: ۷۱). به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که هدف از مهندسی فرهنگی، حاکم نمودن ذهنیات و عقاید اسلامی بر تمام رفتارهای فردی و جمعی در تمام عرصه‌های جامعه و به عبارت دیگر اسلامی کردن تمام ارکان جامعه است.

راهبرد تحقق هدف کلان مهندسی فرهنگی: ایجاد و تقویت هویت اسلامی

صاحب‌نظران و اندیشمندان بسیاری معتقدند: برای تحقق هدف کلان مهندسی فرهنگی یعنی حاکمیت فرهنگ اسلامی بر تمام عرصه‌های جامعه، باید حول فرهنگ اسلامی هویت ایجاد کرد. در واقع بررسی جریان‌های فکری، فرهنگی و سیاسی ۲۰۰ سال اخیر مبین آن است که اندیشمندان معاصر راه حل اسلامی نمودن و یا اسلام‌زدایی از جامعه ایران را «هویت و هویت‌سازی» می‌دانند (ر. ک میرسلیم، ۱۳۸۴؛ سبحانی، ۱۳۸۸؛ کچوییان، ۱۳۸۵). از این رو است که تاریخ معاصر ایران به طرز فوق‌العاده‌ای با پرسش هویت،

۱. تجدد یا مدرنیته به دوره‌ای از تاریخ غرب اطلاق می‌گردد که در آن غرب مظهر پیشرفت، اقتدار، آبادانی و رفاه تلقی می‌گردید.

دارد و در نهایت چه ارتباطی میان فرهنگ و هویت وجود دارد؟ در فرهنگ عمید «هویت» در معنای «حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد» به کار رفته است (ضیائی، ۱۳۸۷). این مفهوم در ادبیات علوم اجتماعی به معنای آگاهی فرد از «کیستی» فردی و «تعلقات» اجتماعی خویش به کار برده می‌شود (ر.ک احمدی، ۱۳۸۳: ۲۶۲).

هویت در دو بعد فردی و اجتماعی مطرح می‌گردد. «هویت فردی» به معنای خود آگاه بودن فرد نسبت به خویشستن است (سبحانی جو، ۱۳۸۳: ۳۰)؛ به بیان دیگر هویت تصویری است که هر فرد از خود دارد و به وسیله آن خود را از دیگران متمایز می‌کند (ریچارد جنکینز، ۱۳۸۱: ۷). این خودآگاهی از بدو تولد آغاز شده، در جوانی کمال یافته و در بزرگسالی تبدیل به هویت اجتماعی می‌گردد (سبحانی جو، ۱۳۸۳: ۳۰). «هویت اجتماعی»^۱ مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی است که بر یگانگی و همانندی اعضای آن دلالت نموده، آنها را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه از سایر افراد و گروه‌ها متمایز می‌کند (الطانی، ۱۳۷۸: ۱۳۹)؛ به تعبیر دیگر «هویت اجتماعی» به معنای تصور و آگاهی فرد از دیگران یا از گروه اجتماعی است که در آن عضویت دارد (همان: ۳۹).

بدون تردید این دو بعد از یکدیگر جدا نبوده، لازم و ملزوم یکدیگرند. در واقع موفقیت در عرصه اجتماع ناشی از رشد هویت فردی انسان است. انسان باید به درجه‌ای از خودشناسی و ثبات شخصیت برسد تا نقش مثبت حضور خود در جامعه را دریافته، به کسب هویت اجتماعی نائل گردد؛ هویتی که سبب شناخت وی از وظایف خویش و انتظارات جامعه از او می‌گردد. با تعبیر «هویت فردی» به «من» و «هویت اجتماعی» به «ما» می‌توان گفت «هویت» پدیده‌ای است که از «من» و احساس خود بودن آغاز گردیده، به «ما» و احساس هم‌بستگی با اجتماع بزرگ منتهی می‌گردد (ر. ک جنکینز، ۱۳۸۱ ت. یارمحمدی: ۷).

آگاهی از «تعلقات» اجتماعی نه تنها مبنای شکل‌گیری ارتباط و کنش اجتماعی- سیاسی است (احمدی، ۱۳۸۳: ۲۶۲)؛ بلکه شیوه احساس، عمل و بودن را نیز متأثر می‌نماید (دوران، ۱۳۸۹)؛

شیوه‌ای که در نهایت منجر به تمایز روابط اجتماعی افراد و گروه‌های مختلف از یکدیگر می‌گردد (ر. ک جنکینز، ۱۳۸۱ ت. یارمحمدی: ۷). نوع پاسخ هر فرد یا گروه به پرسش بنیادین «من کیستم» یا «ما کیستیم»، چارچوبی را ایجاد می‌نماید که فرد یا گروه مذکور انگیزه‌های خود را از آن استخراج کرده و نسبت به آن احساس تعهد می‌نماید. به عبارت دیگر آگاهی افراد جامعه از کیستی یا هویت جمعی خویش و پابندی به آن سبب می‌شود که آنها کردار فردی و جمعی خود را براساس آن پایه‌ریزی کرده، دلایل انگیزشی و ایدئولوژیکی خود را از متن آن استخراج کنند. به این ترتیب است که هویت جمعی به زندگی اجتماعی جهت می‌بخشد، در میان اعضاء انسجام، همبستگی ایجاد می‌نماید و آنان را وادار می‌کند تا دستیابی به افق مطلوب و چارچوب هویت برگزیده خود، از حرکت، تلاش و تکاپوی اجتماعی باز نایستند (کوشکی، ۱۳۸۷: ۷۴-۴۷).

هویت با سه مقوله مکان (جغرافیا)، فضا (شبکه‌ها و روابط اجتماعی) و زمان (تاریخ) پیوندی وثیق داشته، از ویژگی‌ها و تحولات این سه مقوله متأثر می‌شود؛ به عبارت دیگر عوامل گوناگون سرزمینی، نمادین، ارزشی، اسطوره‌ای و... بسیاری در ایجاد حس هویت نقش دارند (پارمنته، ترجمه تبریزی، ۱۳۸۶). از میان این عوامل فرهنگ غنی‌ترین و مهم‌ترین منبع هویت‌ساز فردی و جمعی محسوب می‌گردد (مؤدب، ۱۳۸۷). هویتی که حول فرهنگ خاصی شکل یافته، به باز تولید و باز تفسیر دائمی ارزش‌ها، نهادها، خاطره‌ها، اسطوره‌ها و سنت‌های آن فرهنگ می‌انجامد (لقمان‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۷۱-۱۴۷). بنابراین یکی از مؤثرترین ابزارهای حفظ و باز تولید ارزش‌ها، عقاید و... به طور کلی فرهنگ‌ها، هویت‌سازی حول آنهاست و در مقابل از بین بردن هویت یکی از شناخته شده‌ترین ابزارهای حذف فرهنگ محسوب می‌گردد.

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت:

- اولاً هدف کلان مهندسی فرهنگی حاکم نمودن فرهنگ

اسلامی بر کلیه ارکان جامعه است؛

- ثانیاً راه کار اسلامی نمودن جامعه یا اسلام‌زدایی از آن

«هویت» است. از این‌روست که دستیابی به هدف کلان مهندسی

فرهنگی، مستلزم ایجاد و تقویت هویت اسلامی می‌باشد. دستیابی به جامعه‌ای برخوردار از هویت اسلامی، کلان‌ترین هدف فرهنگی مصرح در سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ است.

هدف کلان فرهنگی چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴: دستیابی به هویت اسلامی - انقلابی

در واژه‌نامه فرهنگ سخن آمده است، چشم‌انداز به معنای چیزی است که از آینده در نظر انسان مجسم شده، وضعیت و موقعیت محیط آینده را تعریف می‌کند. واژه چشم‌انداز اولین بار پس از جنگ جهانی دوم و در قالب مطالعات آینده و تفکر مدیریت استراتژیک به ادبیات برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری راه یافت (ر.ک Kuosa, 2010). در این ادبیات چشم‌انداز شامل تنزیل^۱ ملاحظات ارزشی آرمان‌شهر به برنامه‌های محسوس از طریق مرتبط کردن آنها با داده‌ها، اطلاعات و دانش گذشته و حال است (Tapio & Hietanen, 2002). یکی از روش‌های دستیابی به چشم‌انداز، روش معکوس‌سازی^۲ است. در این روش ابتدا چشم‌انداز یا تصویر آینده خلق می‌شود و سپس مجموعه گام‌های مورد نیاز برای رسیدن به آن به صورت معکوس، یعنی از موقعیت آینده به نقطه شروع امروز، محاسبه می‌گردد؛ به عبارت دیگر این روش نوعی از تفکر «تکامل معکوس» است که با تدوین چشم‌انداز آغاز می‌شود و به صورت معکوس و در سطح کارهایی - که لازم است - انجام شوند یا رخ دادهایی که برای اتفاق افتادن آن - لازم است - ایجاد شوند، عمل می‌کند (Voros, 2006). بر این اساس چشم‌انداز ملی با به تصویر کشیدن موقعیت آینده، ویژگی‌های آرمانی را تبیین و ترسیم می‌نماید و وظیفه سایر ارکان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تعیین و اجرای برنامه‌ها و راه‌کارهایی است که اجرای آنها منجر به تحقق آن خواهد شد.

ضرورت ترسیم و تبیین افق روشنی برای آینده ایران از سال ۱۳۷۸ مشخص شد. در سال ۱۳۸۰ مقام معظم رهبری تهیه «سند ملی چشم‌انداز ایران» را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کردند. مجمع تشخیص مصلحت نظام کلیه مطالعات و تحقیقات دبیرخانه مجمع را همراه با مطالعات و تحقیقات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دولت بررسی، متن اولیه سند چشم‌انداز

را تهیه کرد. همچنین برای تدوین بیانیه سند چشم‌انداز، نگاهی به روندهای سه دهه گذشته ایران اسلامی صورت گرفت و با در نظر گرفتن شرایط مختلف محیط بین‌الملل، منطقه بین‌المللی و ارزیابی اسناد و تجارب سایر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، عوامل استراتژیک محیطی احصاء، اولویت‌ها و اهداف راهبردی متناظر با هر یک از چالش‌های راهبردی انتخاب و در نهایت تصویری از آینده متناسب با رؤیایا، آرزوها، نیازها، نیات استراتژیک و ارزش‌های اساسی رهبری، جامعه و قابلیت‌های کشور خلق شد. در این سند، اسناد قانونی کشور، به‌ویژه قانون اساسی مبنا قرار گرفته است.

نتایج مطالعات مذکور در سال ۱۳۸۲ پس از اصلاحات مقام معظم رهبری به تصویب نهایی رسید و در تاریخ ۸۲/۸/۲۳ به قوای سه‌گانه ابلاغ شد (mellat online, 1389. 8. 13).

در این سند آمده است: «ایران در افق ۱۴۰۴ کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی، فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل».

بررسی اجمالی دیدگاه صاحب‌نظران درباره محتوای فرهنگی سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ حاکی از آن است که اصلی‌ترین آرمان فرهنگی مصرح در سند، برخورداری از جامعه‌ای با هویت اسلامی - انقلابی است. برای مثال:

«وجود عباراتی همچون: ایران کشوری است با هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام، بیانگر محتوا و روح فرهنگی حاکم بر این سند است» (فرهی بوزنجانی، ۱۳۸۵). «سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ برای پاسخ‌گویی به شش چالش استراتژیک پیش روی نظام جمهوری اسلامی به تعریف شش هدف کیفی کلان مبادرت ورزیده است که چهار هدف آن به‌طور ویژه دارای بار فرهنگی است: «ایران توسعه یافته»، «هویت اسلامی و انقلابی»، «تعامل مؤثر در روابط بین‌الملل»، «الهام‌بخشی در جهان اسلام» (رضایی میرقائد و مبینی دهکردی، ۱۳۸۵).

«جوهره یا درون‌مایه اصلی فرهنگی در سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، مقوله «هویت» و به‌طور دقیق‌تر، «هویت اسلامی - انقلابی» است؛ اگرچه «هویت ایرانی» نیز از هویت اسلامی

1. Bringing down

2. Backcasting

مواجهه ایران و غرب نشئت گرفته و از آن زمان تاکنون محور تمام جریان‌های فکری، سیاسی و اجتماعی ایران معاصر بوده است. اندیشمندان معاصر متفق‌القولند که مؤثرترین ابزار و راه‌کار حاکمیت یا عدم حاکمیت فرهنگ اسلامی در جامعه، ایجاد هویت اسلامی برای آن یا اسلام‌زدایی از هویت آن است. برخوردار از جامعه‌ای با هویت اسلامی - انقلابی اصلی‌ترین آرمان فرهنگی مصرح در سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ است؛ چشم‌اندازی که تحقق آن مستلزم تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های خرد و کلانی است که اجرایی شدن آنها منجر به تحقق آن خواهد گردید.

منابع

- احمدی، حمید. (۱۳۸۳). «ایران، هویت، ملیت، قومیت» (مجموعه مقالات)، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۷). «جامعه‌شناسی فرهنگ در ایران»، نشر علم.
- اشتریان، کیومرث. (۱۳۸۹). «درآمدی بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی»، در دست چاپ.
- الطائی، علی. (۱۳۷۸). «هویت قومی در ایران»، تهران، نشر شادگان.
- انوری، حسن. (۱۳۸۲). «فرهنگ سخن»، انتشارات سخن، ج ۳.
- الویری، محسن. (۱۳۸۵). تأملاتی پیرامون چیستی هویت؛ جوهره فرهنگی سند چشم‌انداز از مجموعه مقالات همایش چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ج ۱.
- لاین، پارمنته. (۱۳۸۶). «هویت ملی در جهان متغیر»، دیدگاه‌های مختلف در آموزش و پرورش ژاپن، ترجمه آمنه تبریزی، پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۲). «نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر». ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). «هویت اجتماعی»، ترجمه تورج یارمحمدی، نشر پژوهش، تهران.
- دوران، بهزاد. (۱۳۸۹). «هویت‌یابی در عصر بحران هویت: چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی»، برگ فرهنگ.
- سبحانی، محمدتقی. (۱۳۸۸). «درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشه دینی در ایران معاصر»، سایت فرهنگستان علوم اسلامی (foeac.ir).
- سبحانی، جو، حیات‌علی. (۱۳۸۲). «هویت و بحران هویت»، نشریه پیوند، آبان‌ماه.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۸). ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن. فصلنامه تحقیقات فرهنگی.
- ضیائی، فائزه. (۱۳۸۷). «سیاست انسجام در کانادا»، پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- کچوییان، حسین. (۱۳۸۵). تطورات گفتمان‌های هویتی ایران: ایرانی در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد، تهران: نشرنی.

- انقلابی جدا نیست و در متن تفصیلی چشم‌انداز به‌طور غیرمستقیم با عنوان «هویت ملی» به آن اشاره شده است (الویری، ۱۳۸۵).

«مفاهیم تفصیلی ذکر شده در سند چشم‌انداز شامل ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده هویت اسلامی انقلابی، بسترهای حفظ و استمرار آن، عوامل تقویت‌کننده این هویت و همچنین، الزام‌ها یا پیامدها و آثار هویت اسلامی انقلابی هستند» (علی‌اکبری، ۱۳۸۵). به این ترتیب در صورت تحقق چشم‌انداز در سال ۱۴۰۴، جامعه ایران جامعه‌ای خواهد بود که از هویت اسلامی - انقلابی برخوردار است؛ به عبارت دیگر اسلام و فرهنگ اسلامی بر کل جامعه و شئون آن حاکم خواهد بود.

نتیجه‌گیری

مفهوم «مهندسی فرهنگی» اولین بار به‌وسیله مقام معظم رهبری مطرح شد. در ادبیات جهانی تعاریف بسیار زیادی برای فرهنگ ارائه شده است که هر یک بار معنایی خاصی را برای سیاست‌گذاری فرهنگی به‌طور عام و مهندسی فرهنگی (که نوعی سیاست‌گذاری کلان فرهنگی است)، به‌طور خاص ایجاد می‌کند. مقام معظم رهبری فرهنگ را شامل ادبیات، هنر، علم، عادات و اخلاق و سنن موجود در جامعه و خصلت‌های ملی دانسته، تصریح می‌نماید منظورشان از فرهنگ، ذهنیت‌های حاکم بر وجود انسان است که رفتارهای او را هدایت می‌کند و انتظار می‌رود تمام نظام‌ها و خرده نظام‌های جامعه الگوهای رفتاری و هنجاری خویش را از نظام فرهنگی اخذ کنند؛ انتظاری که مورد تأیید بسیاری از جامعه‌شناسان و اندیشمندان برجسته جهان است. بی‌شک ذهنیات و عقاید مورد نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، ذهنیات و عقاید اسلامی است. بنابراین به نظر می‌رسد از دیدگاه معظم‌له کانون و محور اصلی فرهنگ، دین به‌طور عام و اسلام به‌طور خاص است. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت. هدف از مهندسی فرهنگی حاکم کردن ذهنیات و عقاید اسلامی بر تمام رفتارهای فردی و جمعی در تمام عرصه‌های جامعه و به‌عبارت دیگر اسلامی کردن کلیه ارکان جامعه است. مسئله حاکمیت یا عدم حاکمیت عقاید (فرهنگ) اسلامی بر تمام شئون فردی و جمعی جامعه، مسئله‌ای است که از

- رضایی میرقائد و مبینی دهکردی. (۱۳۸۵). «مجموعه مقالات همایش چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴»، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- علی‌اکبری، حسن. (۱۳۸۵). تبیین مفهوم هویت اسلامی و انقلابی در سند چشم‌انداز از مجموعه مقالات همایش چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ج ۱.
- فرهی بوزنجانی. (۱۳۸۵). تعامل سند چشم‌انداز نظام با نقشه مهندسی فرهنگی و سندهای نظام جامع توسعه از مجموعه مقالات همایش چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ج ۱.
- کوشکی، محمدصادق. (۱۳۸۷). «بازشناسی هویت انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی.
- لقمان‌نیا، مهدی. (۱۳۸۹). «جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی.
- میرسلیم، سیدمصطفی. (۱۳۸۴). جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی - ۱۳۵۷-۱۳۸۰، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- مؤدب، محمد. (۱۳۸۷). «سیاست انسجام در فرانسه و چالش‌های آن»، پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- [http://www.mellatonline.ir / index.php?option = com_content&view = article&id = 1583:-1404&catid = 50:138913-27-14-15-01-&Itemid = 67](http://www.mellatonline.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=1583:-1404&catid=50:138913-27-14-15-01-&Itemid=67)
- Koch, Andrew M.(1993)Rationality, Romanticism and th Individual :Max Weber s «Modernism» and the Confrontation with «Modernity» ,Canadian Journal of Political Science
- Kuosa, Tuomo(2010) “Evolution of futures studies”. Futures
- Reckling, Falk (2001)Interpreted Modernity :Weber and Taylor on Values and Modernity,European Journal of Social Theory 4:153
- Voros, Joseph(2006) . “Introducing a classification framework for prospective method”. Foresight, 8(2): 43--56.
- Tapio, Petri and Olli Hietanen(2002),Epistemology and public policy: using a new typology to analyse the paradigm shift in Finnish transport futures,Futures

